

کانون - ضد - معلمان

بررسی یک ماه فعالیت تلگرامی «کانال صنفی معلمان ایران»

جمعیت بزرگ معلمان بخشی از طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند که طی سال‌های اخیر با وجود دستاوردهایی اندک، در مبارزه طبقاتی‌شان با نظام حاکم سرمایه مجبور به عقب‌نشینی‌های متوالی شده‌اند. همان‌طور که هر معلمی با گوشت پوست و استخوان خود حس کرده است، با وجود افزایش حقوقی که انجام شده، اما مزد معلمان نسبت به تورم همیشه عقب‌تر بوده و بدون اغماض باید تاکید کرد که معلمان همواره در سراسر کشور ارزش نیروی کار خویش را نگرفته و بخشی از جریان ارزان‌سازی نیروی کار در ایران بوده و هست. طبقه کارگر از لحظه شکل‌گیری خود نیاز به تشکیل‌یابی را برای مقابله با فشار سرمایه حس کرده است. اما خود این تشکیل‌یابی همواره یکسان نبوده‌اند. برخی از تشکیل‌های به اصطلاح کارگری از ابتدا ضدکارگری‌اند و برخی در مسیر تحولات دچار انحراف می‌شوند. با این حال هیچ بدیلی دیگری برای تشکیل‌یابی کارگران وجود ندارد.

جبهه سرمایه نیز تشکیل خود را دارد. دولت به‌مثابه تشکیل‌یابی منافع طبقه حاکم، حافظ اصلی مالکیت است. اما دولت به‌عنوان نهاد برآمده از طبقه حاکم، خود را تنها تشکیل‌یابی سرمایه نمی‌داند، بلکه حاکمیت سرمایه بر کل جامعه را نمایندگی می‌کند و خود را فراطبقاتی جا می‌زند، از طبقات اجتماعی متضاد کار و سرمایه شهروندان را می‌سازد. از این‌رو دولت سرمایه موجودیت جعلی خود را وابسته به جامعه مدنی است. حقوق بشر نیز نسخه جهانی همان حقوق شهروندی است که درکی ایدئولوژیک از مناسبات اجتماعی را به‌عنوان هستی اجتماعی بشر جا می‌زند.

در جدال طبقاتی موجود، معلمان و دیگر مبارزان آگاه طبقه کارگر، می‌توانند به بازاریابی این توان و جلوگیری از شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های آینده کمک کنند. از این‌رو بررسی نهادهای موجود معلمان بخشی از ارزیابی توان کارگران محسوب می‌شود.

"کانون صنفی معلمان ایران" نام یک کانال تلگرامی با چیزی بیش از پنج هزار نفر دنبال‌کننده است که در بخش توصیفاتش آمده: "#این کانال مستقل است." و همچنین کلیدواژه‌های موضوعی‌اش را این‌گونه نوشته است: "حقوق دانش‌آموزان و معلمان، قوانین اداری، بخشنامه‌ها، یادداشت‌های صنفی و آموزشی، پلی بین معلمان و فعالان صنفی، شعر، داستان، یادداشت خود را از طریق آیدی زیر برای ما ارسال نمایید." همچنین در تصویر این کانال تصویر معلمی آمده که پلکاردی در دست دارد که روی آن نوشته «ما از فقر نمی‌نالیم، از فرق می‌نالیم.» این کانال چهارهزار و چهارصد و هفتاد و یک دنبال‌کننده دارد و البته در اینستاگرام هم فعالیت می‌کند.

این کانال در اواخر تیرماه سال ۱۴۰۰ دو بیانیه از شورای هماهنگی و کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در خود منتشر کرده است. در این متن تلاش می‌کنیم از خلال بررسی ویژگی‌های این بیانیه‌ها و این‌که چرا و چگونه چنین بیانیه‌هایی با ویژگی‌های خاص آن‌ها توسط کانون صنفی معلمان منتشر می‌شود، در مورد جایگاه و ویژگی‌های خود کانون صنفی معلمان بپردازیم. برای بررسی این بیانیه‌ها ابتدا نگاهی به اخبار و مطالب منتشر شده طی یک ماه گذشته توسط این کانال تلگرامی می‌پردازیم. لازم به ذکر است که این کانال تنها راه ارتباطی کانون نیست و چند کانال و سایت دیگر وجود دارد که به نحوی مرتبط است، اما انتشارات کاغذی ندارد. قطعاً بررسی سایت مرتبط به شورای هماهنگی تشکیل‌های صنفی معلمان باید در مطلبی جداگانه بررسی شود. اما از آنجا که این کانال به شکلی بسیط‌تر پل ارتباطی با فعالان صنفی می‌باشد، ظرفیت تحلیل مناسبی را فراهم می‌کند.

در این کانال روزانه مطالبی با عناوین مشخص زیر تکرار می‌شود که حجم بالایی از مطالب منتشر شده را به خود اختصاص می‌دهد و لزوماً سر تیتتر مشترکی هم ندارند. نگاه ویژه به ارائه روزانه چنین بخش‌هایی قطعاً با هدف جذب فالوور صورت گرفته است تا

کانال صنفی معلمان را به شبکه‌ای جذاب و پر کشش تبدیل کند. به این معنی کانال صنفی معلمان نه تنها مخاطب ویژه خود را معلمان نمی‌داند بلکه تلاش می‌کند، از معلمان هم یک مخاطب عام بسازد. برنامه روتین روزانه کانال به این شرح است:

- ۱- هر روز با سلام و یک پیام انگیزشی شروع می‌شود.
- ۲- نگاهی به پیشخوان روزنامه‌ها می‌شود.
- ۳- بعد یک موسیقی مناسب صبح در کانال گذاشته می‌شود با عنوان #آوای-صبح که ذیل آن هم دو هشتک دیگر #موسیقی و #هنر آمده.
- ۴- در طول روز هم حتماً یک #معرفی فیلم با چند خطی درباره ی آن فیلم گذاشته می‌شود.
- ۵- #معرفی کتاب هم به‌مانند روال معرفی فیلم است.
- ۶- همچنین بخشی از یک #کتاب صوتی نیز در کانال قرار می‌گیرد.
- ۷- بخش # لذت هنر که عکس و نقاشی می‌گذارد ...
- ۸- بخش #یادآر که به یادآوری موضوعی تاریخی یا شخصیت نام‌آور می‌پردازد.
- ۹- بخش #موزیک‌ویدئو هم نه هر روز بلکه هر چند روز یک‌بار حتماً ارائه می‌شود.
- ۱۰- بخش #زنان که حتماً با یک یا دو موضوع مختلف جزو پُر و پیمان‌ترین بخش‌ها می‌باشد و به این بخش اهمیت ویژه داده شده است.
- ۱۱- بخش #زادروز هم متناسب داشتن موضوع به معرفی فردی که در آن روز به‌خصوص تولد یافته می‌پردازد و...

علاوه بر بخش‌های بالا یک عنوان دیگر هم وجود دارد که به دلیل داشتن رگه‌های صنفی از بالایی‌ها جدا کردیم و متأسفانه این بخش در طی یک ماه گذشته تنها دوبار منتشر شده که یکی مربوط به نظرات یکی از کارنامه سبزه‌ها بوده و دیگری هم درباره خوزستان!

- ۱۲- بخش #صدای شما: در یک‌ماه بررسی شده دو مطلب با عنوان "صحبت‌های یک کارنامه سبز"، و یکی هم با عنوان "خوزستان" در این بخش منتشر شده است.

از دهم تیرماه که به بررسی مسائل منتشر شده در کانال پردازیم به برخی اخبار برخورد می‌کنیم که کاملاً بی‌ربط به موضوع صنفی معلمان است و بیشتر به دلیل داغ‌بودن خبر یا همه‌گیری‌اش به آن پرداخته شده، از جشنواره کن، تا مهاجرین المپیک و تمام اخبار داغی که طی یک ماه گذشته به گوش‌تان خورده است، انعکاسی از آن را می‌توانید در کانال کانون صنفی معلمان ببینید. باز هم به نظر می‌آید جز آن روح کلی حاکم بر کانال که به آن خواهیم پرداخت هیچ موضع‌گیری صریحی در انتخاب و انتشار این اخبار وجود ندارد. به‌عبارت دیگر هیچ‌کدام از این اخبار (که معمولاً منبع آن نیز مشخص نشده) با موضع روشن کانون صنفی نسبت به آن‌ها تکمیل نشده است و تنها شاید جمله‌ای کنایه‌آمیز در آخر یا هشتگی، اشاره به آن روح حاکم را تداعی کند.

در واقع طی یک‌ماه گذشته رسانه‌ها چند موج خبری را تجربه کرده‌اند که کانال کانون صنفی معلمان تمام آن‌ها را پوشش داده است. از موج مربوط به شیوع کرونا در سیستان و بلوچستان، و بعد موج اخبار مربوط به کارنامه سبزه‌ها، سپس موج خبری مربوط به کیمیا علیزاده و المپیک، موج کوتاه‌تر اخبار مربوط به اصغر فرهادی و بعد موج بلندتر اعتراضات خوزستان و در آخر طرح صیانت از کاربران اینترنت... کانال کانون صنفی معلمان با این چند موج مختلف همراهی کرده و اتفاقاً نوع همراهی‌اش هم شکل ویژه‌ای داشته است. همچنین تمام بیانیه‌های صادر شده توسط کانال کانون صنفی معلمان در مورد همین موج‌ها بوده و در مورد موضوعات دیگری که بیشتر مربوط به معلمان می‌شده هیچ بیانیه‌ای در این یک‌ماه صادر نکرده است.

در تحلیل محتوای رویکرد کانال کانون صنفی معلمان به اخبار و مسائل داغ اجتماعی مطرح شده، نگاه حقوق‌بشری و مدنی غالب است. برای کانال کانون صنفی مسائل مربوط به زنان، محیط‌زیست، حتی فقر و آسیب‌های اجتماعی و حتی سیاسی مطرح شده همه‌وهمه از نگاه شهروندی که صاحب حقوق زندگی است مطرح می‌گردد و نه یک کانون صنفی مشخص. البته باید گفت که این نگاه حقوق‌بشری برخاسته از جایگاه جامعه‌مدنی کانون، به هیچ‌وجه خنثی و غیرطبقاتی نیست، بلکه کاملاً در ضدیت با منافع طبقه کارگر است. از سوی دیگر باید

اذعان کرد که اخباری که توسط کانون صنفی منتشر شده تنها اخبار موجود جامعه نیست و نمی‌تواند باشد و تنها به واسطه نگاه سطحی و رسانه‌ای خاص کانون، مد نظر قرار گرفته شده است.

البته در میان اخبار منتشر شده، اخبار مربوط به معلمان، بازنشستگان، مدیران و کادر اداری و نیروهای خدماتی مدارس، دانش‌آموزان و دانشجویان و طرح‌ها و مصوبات مجلس و دولت و برنامه و بودجه نیز دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها را که طی یک ماه گذشته منتشر شده‌اند اشاره می‌کنم. در مورد این اخبار نیز اما کانال کانون صنفی معلمان که معمولاً با حذف منبع خبر آمده، تنها با جمله و کنایه و هشتگی توسط کانال تکمیل شده است و باز هم موضع‌گیری روشنی توسط کانونی صنفی نمی‌بینیم و بیشتر نشر خبر مد نظر قرار داشته است. اما اخبار موضوعات مطرح شده در این یک ماه از این قرار بوده است:

- رشته اخبار مربوط به «کارنامه سبزه‌ها»، شامل مجموعه اخباری از واکنش روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، ادامه بست‌نشینی و تحصن که بسیار مورد توجه تمامی رسانه‌ها قرار گرفت و اعلام حمایت از کارنامه‌سبزه‌ها با هشتگ پشتیبانی و مانع‌زدایی مسیر استخدام را با خود به همراه داشت، و در نهایت منجر به بیانیه کانون صنفی شد. جالب این‌که بیانیه همزمان با اوج فعالیت رسانه‌ای «کارنامه‌سبزه‌ها» منتشر شد و بعد با فروکش کردن ماجراها، کانون تنها به انتشار اخبار استخدام جدید پرداخت، بدون آن‌که به وضعیت کارنامه‌سبزه‌ها نسبت به این اخبار حساسیتی داشته باشد. در واقع بعد از بیانیه هیچ‌پیگیری خاصی از طرف کانون صنفی معلمان نمی‌بینیم و صرف اعلام بیانیه را کافی دانسته‌اند. همچنین در مورد ویژگی‌های خود بیانیه صادر شده در ادامه صحبت خواهیم کرد.
- «تجمع اعتراضی خدمتگزاران و سرایداران کشور مقابل وزارت آموزش و پرورش»، تک خبری که بدون پیگیری توسط کانون ارائه شده و تنها با بیانیه‌ای که توسط خود معترضان خدماتی مدارس ارائه شده تمام شده است. بدون هیچ پیگیری و تشریح ویژه‌ای توسط کانون.
- رشته اخبار مربوط به «فوق العاده ویژه»، نحوه محاسبه آن، مقایسه آن با کارکنان اداره قوه قضائیه، همچنین قول‌های مختلف نمایندگان و مسئولین برنامه‌بودجه برای اضافه‌شدن به فیش مراد یا عدم تامین نیازهای مالی آن...
- تدوین «لایحه جامع فرهنگیان»، تک خبری که از حاجی‌میرزایی (وزیر وقت آ.پ) اعلام شده و واقعاً و جمله اعتراضی حرکت‌های پایانی وزیر در دولت به آن عکس‌العمل نشان داده شده.
- «انتخاب رشته دانش آموزان»، از زمان و نحوه انجام آن در سایت و...
- فروش کیلویی کتاب‌های کتابخانه مرکز تربیت معلم بهبهان به عنوان ضایعات، که در حد یک تک خبر باقی ماند، بدون پیگیری و حتی بدون منبع خبر...
- رشته اخبار مربوط به «واکسیناسیون معلمان»، از بدقولی حاجی میرزایی برای انتقال برنامه به شهریور، تا برنامه‌ریزی مجدد برای انجام واکسیناسیون، حساسیت نسبت به اختصاص تنها واکسن برکت به معلمان که بعد تغییر کرد و واکسن انتخابی اعلام شد، همچنین اخبار مربوط به "حضور شدن یا غیرحضور بودن کلاس‌ها"
- رشته اخبار مربوط به «رتبه‌بندی معلمان»: موضوع پرحاشیه‌ای که دوباره با ارسال طرح رتبه‌بندی به مجلس، آن‌هم در اواخر دوره ریاست جمهوری حسن‌روحانی داغ‌تر شد و با ممانعت مجلس دوباره از آن جلوگیری شد و همچنان پر پیچ‌وتاب و داغ است. اما جالب است که کانون صنفی معلمان در پیگیری اخبار این موضوع و انتشار آن‌ها نه تنها در حد و اندازه‌ی یک کانون صنفی برخورد نمی‌کند بلکه تنها با غرغر کردن و کنایه‌زدن لحظه‌ای امیدوار و روز بعد مایوس عصبانی برخورد می‌کند. این بالا-پایین شدن کانون با اخبار نشان از این دارد که هیچ تحلیل و درک درستی از این طرح و مناسبات اطراف آن نزد کانون صنفی وجود ندارد. کانون مانند هر فرد معلم با هر خبر خوش مسئولی ذوق کرده و با هر خبر بد تنها به غرغر و کنایه‌های سیاسی و مقایسه با دیگر کارمندان بخش‌های مختلف دولت می‌پردازد. همان‌طور که گفتیم یک‌ماه گذشته با توجه به ارائه این طرح به مجلس و مقاومت مجلس اخبار بسیاری حول این موضوع توسط رسانه‌ها و البته کانال کانون صنفی منتشر شده که هیچ‌کدام به اعلام بیانیه‌ای در این مورد یا تحلیل ویژه‌ای، یا برنامه و گزارش ویژه‌ای از فعالیت‌های کانون در این راستا منجر نشده است و معلمان باید به همان چند هشتگ و جمله‌های نیش‌دار آخر اخبار کفایت می‌کردند.

- چند خبر متفاوت که همه حکایت از «پولی شدن آموزش» دارند و با اشاره به «قانون اساسی ج.ا. ایران» آن را خلاف قانون دانسته، و ادعاهای مربوط به نظارت بر عدم گرفتن پول مدارس راه، «شو کمدی» و «بدون باورپذیری عمومی» عنوان کرده است. همین‌طور عکس‌العمل نسبت به «تاسیس تربیت معلم خصوصی» توسط حداد عادل... یا خبر قبول‌شدگان کنکور که دانش‌آموزان غیرانتفاعی هستند و آن را نتیجه شکاف طبقاتی و فقدان عدالت آموزشی می‌بینند.
- چند خبر کوتاه از «بازنشسته‌ها»
- اخبار مقایسه‌ای با معلمان بدون هیچ تحلیل مشخصی پشت آن: «افزایش حقوق سازمان زندان‌ها» و یا این که «حقوق دریافتی هیأت علمی پس از همسان‌سازی، حداقل ۱۲ میلیون و حداکثر ۳۴ میلیون تومان است».
- خبری درباره «سلامت روانی دانش‌آموزان» و ردیف بودجه اختصاص یافته به این موضوع،
- اخبار «کنکوری»ها و خبری درباره «فروش سئوالات کنکور» و «فروش صندلی دانشگاه»، «اعتراض به نحوه سئوال طرح کردن در کنکور»، «اعتراض معلمان به سئوالات کنکور سراسری،
- تک خبر «رد صلاحیت معلمان اهل سنت به دست حراست آموزش و پرورش خراسان رضوی».
- اشاره به «کودکان کار مدرن در دنیای مجازی».
- خبر «خرید اینترنتی کتاب‌های درسی»
- تک خبر «تدوین طرحی از سوی نمایندگان مجلس برای کاهش پایه‌های آموزشی از ۱۲ به ۹»
- همین‌طور اشاره‌ای به معلمی که خودسوزی کرده بود...

در بررسی نگاه کانال کانون‌صنفا حتی به موضوعات مرتبط به معلمان نیز همان رویکرد حقوق‌بشری و جامعه‌مدنی به مسائل صنفی و نگاه موج‌های رسانه‌ای غالب است. در حقیقت این کانال تلگرامی است که روح کانون را تشکیل می‌دهد نه کانون‌صنفا که در یک کانال تلگرامی خود را ارائه می‌کند. در واقع کانال کانون‌صنفا نه یک ارگان و نه رسانه یک تشکل صنفی است، بلکه بروزات یک تلاش رسانه‌ای ویژه با دم و دستگاه خاص خود است. به نظر می‌آید برای کانال کانون‌صنفا، مسائل معلمان از این جهت که هم‌چون زنان، کودکان، حیوانات و همه جانداران، حیات دارند و چون شهروندان یک کشور صاحب حقوقی هستند قابل پیگیری است. پیگیری آموزش رایگان یا حتی خصوصی‌سازی و اختلاف طبقاتی برای کانون از این جهت مطرح نمی‌شود که مناسبات تولیدی سرمایه‌داری بر پایه استعمار حداکثر نیروی کار پیش می‌رود و در این زمینه حفظ و تقویت مالکیت خصوصی جزء لاینفک این مناسبات اجتماعی است، بلکه به عنوان مانع احقاق حقوق برابر شهروندی مطرح می‌شود. تناقضی که جز نتایجی ضد کارگران چیزی به‌همراه نخواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر هیچ‌گاه و در هیچ‌زمینه دیگری در کانال کانون‌صنفا اشاره‌ای به مناسبات سرمایه‌نشده است، گویا سرمایه‌داری آن‌هم تنها در مدارس خصوصی و پولی‌شدن آموزش خود را نشان می‌دهد و چون مغایر با قانون‌اساسی است باید محکوم گردد.

همچنین کانال کانون‌صنفا معلمان گه‌گاه متن تحلیلی‌ای عمدتاً در راستای اخبار داغ منتشر شده ارائه می‌دهد، که یا از سایت‌های مختلف برداشته شده و یا به‌صورت مستقیم در کانال منتشر گردیده‌اند. تمامی این متن‌ها در طی یک‌ماه گذشته از این قرارند، ما در ادامه تک‌تک آن‌ها را بررسی خواهیم کرد:

- جعفر ابراهیمی: نظام آموزشی ایدئولوژیک و موضع اساتید دانشگاه

در این متن که در سایت «انجمن یاری کودکان در معرض خطر» منتشر شده است و در کانال کانون‌صنفا معلمان به آن ارجاع داده شده آمده: «نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت انتقادی با نقد و واکاوی محتوای آموزشی و برنامه‌ی درسی نشان می‌دهند که نظم آموزشی متأثر از ایدئولوژی طبقه مسلط چگونه به‌دنبال بازتولید اجتماعی و فرهنگی طبقه حاکم است و چگونه شکل خاصی از زندگی نابرابر را نرمالیزه و عادی جلوه می‌دهد و پایه‌های ایدئولوژیک خود را محکم و ارزش‌های خود را درونی می‌کند.» تا اینجا بحث بسیار درست است و همان چیزی که با عنوان به انقیاد سرمایه درآوردن در نظام آموزشی از آن یاد می‌کنیم. موضوعی که نه تنها در نظام آموزشی حاکم بلکه توسط دوگانه جامعه‌مدنی/دولت نیز تقویت شده و بسیاری از جریان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز با تأکید بر فساد و مدیریت نادرست، اصل نابرابری ناشی از مناسبات سرمایه را موجه و عادی جلوه می‌دهند. اما بگذارید ببینیم خود جعفر ابراهیمی در دنباله این ارجاع

به نظریه پردازان چگونه ادامه می‌دهد. او می‌گوید: «اما مولفه‌های ایدئولوژیک در نظام آموزشی ایران، به حدی در اهداف نظام آموزشی واضح است که برخی پژوهشگران ایدئولوژیک بودن آن را پیش‌فرض می‌گیرند. یکی از ابعاد ایدئولوژیک بودن در ساختار تربیت معلم و گزینش است.» جعفر ابراهیمی سئوالات گزینش استخدامی را لیست کرده که وظیفه خبرگان و شورای نگهبان، پرسش در مورد شهید مطهری و نماز و حجاب و وظایف رهبری و عضویت بسیج در آن است. بعد معلوم می‌شود مخاطب این متن اساتید دانشگاه در حوزه آموزش هستند که از ساختار ایدئولوژیک نظام آموزشی ایران نقد نمی‌کنند. سپس این اساتید را با معلمان فاقد بینش و تفکر انتقادی کنار هم می‌گذارد و تمام...

جعفر ابراهیمی همیشه این قدر بد نمی‌نویسد اما به نظر می‌رسد نیاز است با حوصله و دقت نظر بیشتری به نگارش بپردازد. اگر به نظر وی ساختار ایدئولوژیک حاکم خود را در این عیان‌ترین وجهه‌های پدیداری نظام جمهوری اسلامی بروز می‌دهد باید گفت این درکی ناقص و به عبارتی ایدئولوژیک از ایدئولوژی است. در واقع اگر ایدئولوژی را به معنی شناخت کاذب و درکی دروغین از وضعیت تلقی کنیم، نمی‌شود با نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی که ذیل بسیج و فرهنگ شهادت و ایدئولوژی مذهبی-سیاسی آن، که اتفاقاً عریان‌ترین بخش‌های ایدئولوژی حاکم است موضع گرفت اما در مقابل دموکراسی، آزادی مدنی، حقوق بشر و مناسبات طبقاتی و استثمارگر سرمایه موضع نگرفت. چنین متون دم دستی و بی‌مایه‌ای نمی‌توانند کمک چندانی به افشای نظام ایدئولوژیک حاکم کند. جعفر ابراهیمی وقتی از «ایدئولوژی طبقه حاکم» صحبت می‌کند باید به این پرسش با صراحت پاسخ دهد که منظور از طبقه حاکم چیست؟ این طبقات در چه مناسباتی شکل می‌گیرند؟ چگونه طبقه خود را بازتولید می‌کنند و تضاد کار و سرمایه چگونه شکل می‌گیرد؟ بدون پاسخ صریح به این سئوالات و تلاش برای جبهه‌بندی روشن کار و سرمایه هرگونه ابهام و پرده‌پوشی‌ای خود معنای ایدئولوژی می‌دهد و مضموم و قطعاً ضدکارگری خواهد بود.

• زهرا عبدی: از بلندی قد تا بلندی قداره (نقش پر رنگ اقتصاد):

این متن که احتمالاً مستقیماً برای کانال کانون صنفی فرستاده شده، حاشیه‌ای است بر مسابقه بسکتبال زیر ۱۶ سال دو تیم آمریکا و السالوادور، تصویری از این دو تیم نشان می‌دهد که تفاوت قد بازیکنان دو تیم بسیار فاحش است و زهرا عبدی می‌نویسد «علت این تفاوت قد، همان اقتصاد لعنتی است» و در نهایت با موضع‌گیری علیه برخی کامنت‌های توییتری که نقدی به بازی ناجوانمردانه آمریکایی‌ها داشته‌اند تا با فاصله زیاد نبرند، نتیجه می‌گیرد «این گیر دادن به جزییات است. این قد بلند اقتصاد است. هیچ چیز مانند اقتصاد نمی‌تواند سرنوشت یک مردم یک کشور را تعیین کند؛ از بلندای قد گرفته تا بلندای قداره.» این متن بدی نیست یا می‌تواند خوب باشد، اما در آخر مشخص نمی‌شود که منظور از این جمع‌بندی چیست؟ یک توسعه طلبی ملی؟ یا نقد استثمار و استعمار؟ به‌رحال متن بسیار کوتاه است و شاید تحت تاثیر همان جو توییتری نوشته شده است.

• شهرزاد قدیری (فعال صنفی): جلسات طولانی و وعده‌های توخالی:

بالاخره یک متن صنفی مشخص در کانال کانون صنفی معلمان ایران.

اول از همه باید پرسید این ترکیب "فعال صنفی" از کجا آمده و چه معنایی دارد؟ "فعال صنفی" کیست؟ چه نقش و مسئولیتی در کانون صنفی معلمان ایران دارد؟ این سیالیت نقش‌ها و مسئولیت‌ها از کجا در تشکل‌یابی مبارزان کارگری نفوذ کرده و چه آثاری در پی داشته؟ این‌ها سئوالاتی است که در جای دیگر به آن‌ها خواهیم پرداخت. فعلاً به سراغ متن برویم.

«طبق بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری؛ که در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید؛ سه دستگاه قوه قضائیه، سازمان برنامه‌بودجه و سازمان امور استخدامی، مجوز افزایش حقوق کارکنان خود را به میزان ۵۰ درصد فوق‌العاده ویژه از دولت دریافت کردند.»

در همین راستا سال ۱۳۹۳ در پی درخواست‌های مکرر دستگاه‌های دیگر مبنی بر افزایش ۵۰ درصد فوق‌العاده ویژه برای کارکنان‌شان، دولت اقدام به تصویب قانونی نمود که به موجب آن تمامی دستگاه‌ها مجوز افزایش ۲۱ درصد (براساس محاسبات طبق مصوبه) فوق‌العاده ویژه را داشته باشند. اما آنچه که در آموزش و پرورش اتفاق افتاد شکل دیگری داشت.

آموزش و پرورش با سوء استفاده از ناآگاهی معلمان این افزایش را به عنوان رتبه‌بندی و به‌صورت ناقص فوق‌العاده ویژه، معلمان جوان از شمول طرح خارج شدند و سایر معلمان نیز بر اساس سابقه کاری از ۹ تا ۲۱ درصد، از مزایایی برخوردار شدند که عملاً تاثیر روشنی در زندگی معیشتی آن‌ها نداشت. همین مساله موجبات

تداوم اعتراضات به اجرای ناقص طرح را بدنبال داشت. در ادامه اعتراضات سال‌های اخیر فرهنگیان نسبت به تبعیض و بی‌عدالتی در دریافتی‌های خود نسبت به سایر کارکنان دولت، گروهی از معلمان و نمایندگان تشکل‌ها در خردادماه سال جاری جلساتی را با اهداف متفاوت از جمله اجرای فوق‌العاده ویژه با رئیس سازمان برنامه‌بودجه برگزار کردند؛ جلساتی که با تبلیغات فراوان همراه بود. براساس گزارشی که از جلسات برگزار شده بیرون آمد؛ آقای نوبخت به‌عنوان رئیس سازمان برنامه‌بودجه متعهد شده بود که از ابتدای تیرماه احکام ۲۱ درصد فوق‌العاده ویژه برای همه معلمان صادر شود. اما با وجود سپری شدن ۱۵ روز از تیرماه هنوز خبری از صدور این احکام نیست. البته این جلسات خروجی‌های دیگری هم داشتند که با توجه به ید طولای مسئولان در دادن وعده‌های بی‌ثمر به فرهنگیان امید تحقق آن‌ها را نیز نداریم. در واقع با توجه به زمان اندک دولت روحانی از همان ابتدا روشن بود که نتیجه این جلسات طولانی بیشتر وعده‌های توخالی خواهد بود و گزارشات نیز بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد.» (تاکیدات از من است)

در این متن فوق‌العاده شهزاد قدیری به صریح‌ترین شکل ممکن یک مسئله صنفی را تشریح می‌کند. نسبت بسیار پایین این دست‌متون نسبت به حجم مطالب انتشاری کانال باعث می‌شود حتی تک موارد صنفی مشخص نیز فرصت چندانی برای دیده شدن و آگاهی بخشی پیدا نکنند و به سرعت زیر پیام‌های متنوع روزانه از صبح بخیر و شب‌بخیر و هزار آیت‌پرت و پلائی دیگر گم شود. اما بگذارید به متن بپردازیم.

در این که سال‌ها مقایسه فرهنگیان با سایر کارکنان دولت تفاوت و تبعیضی را نشان می‌دهد شکی نیست. اما چرا این تبعیض وجود دارد و از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ این سؤالی است که پیش‌تر هم آن‌را با عنوان کارمند یا کارگر مطرح کردیم. مگر نه این‌که که سرایداران مدارس هم حقوق بگیر دولت‌اند، پس چرا ایشان به این سؤال اساسی رسیدند؟! لفظ بی‌عدالتی و تبعیض توان پاسخ به چرایی را ندارد زیرا می‌توان پرسید چرا این بی‌عدالتی و تبعیض دامن معلمان و سرایداران را گرفته و دامن برخی دیگر از بخش‌های دولت را نگرفته است؟! این سؤال مهمی است که تنها با درک درست مناسبات اجتماعی حاکم و تحولات نئولیبرالی آن قابل پاسخ‌گویی است. (البته نه درک تقلیل‌یافته‌ای از سیاست‌های نئولیبرالی که تنها در یک بند قانونی درک می‌شود).

از سوی دیگر، در متن آمده با توجه به اعتراضات معلمان «گروهی از معلمان و نمایندگان تشکل‌ها» به جلساتی با رئیس سازمان برنامه‌بودجه رفتند. این‌جا هم سؤال این است که پشتوانه تشکلی این نمایندگان در چه سطحی است؟ آن «گروهی از معلمان» چه کسانی بودند و چگونه به این جمع مذاکره کننده راه یافتند؟ آن‌ها برای چانه‌زنی چه ابزارها و اهرام‌های فشاری در دست داشتند؟ آیا گزارشی از این مذاکرات برای معلمان منتشر شد یا صرف تکرار همان وعده‌های داده شده به‌عنوان گزارش جلسات کافی آمد؟ چه سطوح دیگری برای تضمین تحقق وعده‌ها - غیر از اعتماد به طرف مقابل - در نظر گرفته شده بود؟ تیم مذاکره کننده آیا قبل از مذاکرات نمی‌دانستند ممکن است با وعده‌های تو خالی و تبلیغاتی روبه‌رو شوند؟ آیا نمی‌دانستند تضادی بین دو سوی میز در جریان است که یک سو می‌خواهد حقوق‌ها بالا برود و دیگر سو کاملاً مخالف این نظر را دارد؟ پس چگونه باید چانه‌زنی کرد؟ آیا پیش از این از معلمان، به‌واسطه همین وعده‌های توخالی به تیم مذاکره کننده، سوء استفاده نشده بوده است؟ پس چه‌طور یک موضوع از قبل شکست خورده می‌تواند بارها و بارها حتی توسط یکسری افراد مشخص که خود را نماینده معلمان می‌دانند تکرار شود؟ همین درسی که گرفته شد با چه تحلیل و بررسی دقیق‌تری تبدیل به آموزه‌ای شد تا در اتفاق مشابه آینده گامی به جلو برداشته شود؟ متأسفانه هیچ‌کدام از این سؤالات پاسخی در کانال کانون صنفی معلمان ندارد و باید به همین سطح حداقلی توصیف اتفاقات و غرغره‌های تکراری آخر پاراگراف‌ها بسنده کرد. معلمان نیز بدون داشتن تشکل واقعی توان پاسخ‌گویی به این سؤالات را نخواهند داشت. تشکل‌های کارگری نه تنها مبنای بروز توان کارگران به‌عنوان یک نیروی اجتماعی بزرگ و توانمند است، بلکه محل انباشت تجربیات کارگری و پیشروی کارگری است. بدون چنین تشکلی مبارزات کارگری محکوم به ناتوانی، شکست و درجا زدن است.

• علی قرایی:

متن نوستالژیک و زیبایی است که قرایی برای سالگرد صمد بهرنگی نوشته است اما به کل خالی از هر اندیشه و مرام صمد بهرنگی، در راستای فانتزی‌سازی از شخصی که فانتزی زنده‌گی نکرده بود.

• سپیده اکبرپوران جامعه شناس: هلیا برچسب اجتماعی و حقوق کودک

متنی در مورد مسائل حقوقی حول انتشار بی‌اجازه تصویر یک نوجوان بزه‌کار در فضای مجازی بدون پی‌گیری نظام قضایی، با هشتگ مطالعات زنان. در کنار متن دیگری از «ن.چراغی» با عنوان: «هلیا کارنامه مردودی آموزش و پرورش.» که خبر از عکس‌العمل‌های رسانه‌ای کانال نسبت به خبرهای داغ فضای مجازی است.

• دکتر سحر بیات: حاج میرزایی در قامت صدارت تعلیم و تربیت ایران نیست.

این متن هم بازنشر مطلبی از سایت "حرف حساب" است.

کانال صنفی دوبار از فراخوان همیاری با سیستان و بلوچستان در روزهای سیاه کرونا ز سوی جمعی از فعالین مدنی حمایت کرده است و یکبار هم بیانیه ای در اینباره منتشر کرده است.

بیانیه‌های منتشر شده:

• بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در حمایت از تجمعات جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، ملقب به #کارنامه سبزه‌ها (۱۳ تیرماه):

در این بیانیه با آنکه «کارنامه سبزه‌ها» را با عناوین "زنان و مردان جوان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های کشور"، یا "هم‌وطنان جوان" نام می‌برد، و با وجود اشاره کوتاهی که به آمار "بیکاران" و "شرایط سخت و اسفبار معیشتی" شده، بدون آن‌که به نقش «ارتش ذخیره‌ی کار» در حفظ رقابت بین کارگران و ارتباط «بیکاران» و پایین نگاه‌داشتن «حداقل معیشتی» بپردازد، مشکل را در اقتصاد بیماری دنبال می‌کند که "تنها راه پیش‌روی جوانان تحصیل‌کرده برای دستیابی به حداقل‌های زندگی انسانی؛ استخدام در مراکز دولتی است." کانون صنفی معلمان بدون درکی از مناسبات سرمایه‌داری همه گناه‌ها را بر سر دولت بی‌کفایت می‌ریزد تا نه تنها خود را در موضع جامعه‌مدنی خود حفظ کند، بلکه مناسبات سرمایه را از تیررس کارگران خسته و تحت فشار مصون دارد. از این‌رو است که اصرار دارد از «کارنامه سبزه‌ها» با عنوان "هموطنان" یاد کند و در مقابل به "دولت جمهوری اسلامی" هشدار دهد.

کانون در پایان به عزیزان متحصن قول می‌دهد که براساس وظیفه صنفی خود با مقامات آموزش و پرورش در این زمینه رایزنی لازم را انجام دهد. اما این وعده کانون برای «کارنامه سبزه‌ها» دولت مستعجل از آب درآمد و هیچ‌خبری از هیچ‌گونه پیگیری‌ای در ادامه نیست. نه هیچ گزارشی از پیگیری و رایزنی و نه هیچ برنامه و افقی برای همراه‌کردن خود «برنامه سبزه‌ها» با کانون، یا دعوت‌شان به تشکیل‌یابی بیکاران برای پیگیری ثمربخش‌تر و ایجاد تشکلی برای حفظ قدرت بیکاران، به عنوان بخشی از کارگرانی که نقشی مستقیم در استثمار نیروی کار درحال استثمار دارند در مقابل فشار سرمایه برای ارزان‌تر کردن نیروی کار و شانه‌خالی کردن از تعهداتش نسبت به بیکاران. اما نه تنها هیچ‌خبری از چنین برنامه مشخصی نیست، بلکه هیچ موضع کارگری‌ای هم در میان نیست. کانون صنفی به‌جای شناخت درست وضعیت سرمایه و ایستادن بر کوه تجربیات کارگری در مبارزات صنفی، با اصرار سعی در ایستادن در مقام یک شهروند صاحب حقوق دارد، اما خبر ندارد که جامعه مدنی و دولت، چون دوقلوهای همزاد سرمایه، همواره در جهت تثبیت و تقویت یکدیگر هستند. از سوی دیگر کانون با زمین گذاشتن سلاح اصلی مبارزات کارگری یعنی تشکیل‌یابی، تنها به مبارزه رسانه‌ای و نوشتن بیانیه اکتفا کرده است. درحالی که مبارزات کارگری ثابت کرده است که حتی چانه‌زنی و مذاکره با کارفرما یا کار رسانه‌ای و نوشتن بیانیه پشت بیانیه بدون قدرت تشکلی‌های کارگری باد هواست و به‌جای تقویت کارگران به گسترش احساس ضعف و ناتوانی و بی‌نتیجه بودن مبارزه دامن می‌زند. همان‌طور که برای «کارنامه سبزه‌ها» حس تلخ شکست را پیش از آن‌که تلاشی صورت بگیرد یا قدرت واقعی آن‌ها را فعال سازد، به ارمغان می‌آورد.

حتی در متنی که با عنوان «مصاحبه با محمدحیی فعال صنفی، پیگیری‌ها و اعتراض کارنامه سبزه‌ها به کجا رسید؟» در کانال منتشر شد، غیر از توصیفی دم‌دستی از مطالبات کارنامه سبزه‌ها و سیاست‌های استخدامی در آموزش و پرورش هیچ نشانه‌ای از رد پای یک کانون صنفی نمی‌بینیم.

در همان روز بیانیه دیگری در کانال کانون صنفی معلمان ایران منتشر شده که البته نویسنده آن کانون نیست و تفاوت‌های جدی‌ای با متن بیانیه کانون صنفی دارد.

- بیانیه تجمع سرایداران و خدمت‌گزاران شاغل در مدارس دولتی و آموزش و پرورش در سراسر کشور (۱۳ تیرماه):

این بیانیه‌ای است که توسط "سرایداران و خدمت‌گزاران شاغل در مدارس دولتی آموزش و پرورش" در پایان تجمع سراسری‌شان تهیه شده و در کانال کانون صنفی معلمان ایران منتشر شده است. در این بیانیه با اشاره به "گرانی و تورم افسار گسیخته و حقوق دریافتی ناچیز" مطالبات زیر آمده:

۱. اجرایی شدن طرح رتبه‌بندی برای ما سرایداران و خدمت‌گزاران مدارس یا طرحی جایگزین آن
 ۲. اجرایی شدن طرح فوق‌العاده ویژه که در سال ۹۸ برای همکاران آموزشی اجرا شد ولی قشر ما نیروهای خدماتی و سرایدار و خدمت‌گزار اجرا نشد.
 ۳. اجرایی شدن طرح همسان‌سازی حقوق با سایر کارکنان دولت
 ۴. تغییر رشته برای همکارانی که مدرک تحصیلی دانشگاهی مرتبط با نیازهای آموزش و پرورش دارند به آموزشی یا اداری.
 ۵. **تبدیل وضعیت قراردادی و پیمانی و مردمی شاغل در مدارس به استخدام رسمی برای امنیت بیشتر شغلی**
 ۶. **استخدام نیروی جدید در پست سرایدار و خدمت‌گزار با توجه به کمبود ۴۰ هزار نفری نیرو در این پست‌ها طبق صحبت‌های قبلی آقای دکتر لاشکی معاون حقوقی وزارت آموزش و پرورش**
 ۷. روشن شدن وضعیت کاری این قشر از کارکنان آموزش و پرورش که آیا کارمند دولت هستند یا کارگر؟ اگر کارمند محسوب می‌شوند حقوق مزایای کارمندی دریافت کنند و اگر کارگر هستند حقوق و مزایا و دستمزد و عیدی کارگری دریافت کنند.
 ۸. قرار گرفتن شغل ما جزء مشاغل سخت و زیان‌آور جامعه زیرا هر کدام از ما به جای چندین نفر در مدارس کار می‌کنیم و بخاطر انجام کارهای سنگین در مدارس دچار امراضی هم‌چون دیسک کمر، بیماری‌های مفصلی، کمر درد شدید و گردن درد و ساییدگی مهره‌های کمر و گردن همین‌طور به خاطر استفاده بیش از حد از مواد ضد عفونی کننده و گند زدا گرفتار امراض ریوی شده و بعد از بازنشستگی به جای استراحت، دیگر توان انجام کاری دیگر برای امرار معاش نداریم.
- ما در همین‌جا اعلام می‌کنیم تا رسیدن به همه خواسته‌ها این تجمعات ادامه دارد و ما هر هفته با همت همکاران این تجمع را برگزار می‌کنیم.

این بیانیه بعد از انتشار خبر تصویری از تجمع "سرایداران و خدمت‌گزاران مدارس" تنها مواردی بود که کانال کانون صنفی معلمان ایران به مسائل صنفی ایشان پرداخته شده است. سؤال این است که چرا این موضوع صنفی که مستقیماً با وظایف کانون صنفی مرتبط است آن‌چنان نظر کانون را جلب نکرده است و تنها به انتشار اخبار بسنده کرده؟! چه چیز باعث شده این خبر از خبر کارنامه‌سبزه‌ها کم‌اهمیت‌تر باشد؟! بی‌شک نفوذ رسانه‌ای این خبر کم بوده و اهمیت آن بیشتر از منظر صنفی است. اما برخلاف بی‌توجهی کانون صنفی به این مسئله در بررسی این بیانیه خواهیم دید که یکی از جدی‌ترین حوزه‌هایی بوده است که یک تشکل صنفی واقعی معلمان باید به آن ورود می‌کرده و نه تنها در جهت حمایت آن اقدام می‌کرده است بلکه باید با تمام قوا ظرفیت‌های تشکلی آن را بالاتر می‌برده و با آموزش‌ها و انتقال تجربیات فعالیت سندیکایی آن‌ها را در برداشتن گام‌های بعدی کمک می‌کرده است. همچنین مسائل مهمی در این بیانیه مطرح شده است که قطعاً موضوعات با اهمیتی برای پیگیری و تحلیل دقیق‌تر بوده‌اند. همچنین این بیانیه می‌تواند الگویی باشد برای کانون صنفی معلمان ایران تا ببیند یک بیانیه صنفی وقتی از اعماق مادی آن برمی‌آید چگونه به شکلی انضمامی و مادی به مسائل و مشکلات می‌پردازد، لیست مشکلات جسمی و روحی، فشار اقتصادی و اجتماعی، جایگزین انتزاعات مهم و گمراه‌کننده‌ای شده که از آزادی و دموکراسی و حقوق مدنی شهروندان داد سخن می‌گوید. از سوی دیگر حتی تکرار خواسته‌های رتبه‌بندی و همسان‌سازی و ... را به تقلید از معلمان می‌بینیم، گامی پیشروتر را نیز مشاهده می‌کنیم، طرح سؤال برای تعیین تکلیف حقوقی و اجتماعی با خود برای این کارمندی‌ها یا کارگر؟ این سؤال نه تنها یک مسئله حقوقی مشخص است که باید از منظر حقوقی دقیق‌تر بررسی شود، بلکه مسئله اجتماعی دقیقی نیز می‌باشد که باید در یک تحلیل مشخص از شرایط مشخص توسط خود ایشان به پاسخ برسد. از این‌رو تجمع‌کنندگان سرایداران مدارس حتی در طرح سؤال نیز گامی جلوتر از کانون صنفی معلمان برداشته‌اند. کانون صنفی معلمان نه تنها هیچ‌وقت خود را در مقابل این سؤال مهم قرار نداده بلکه همواره به شکل فرصت‌طلبانه سعی در معشوش کردن آن دارد، هر چند که در تحلیل نهایی می‌توان گفت با

بازتولید ایدئولوژی جامعه‌مدنی/دولت و شعارهای حقوق‌بشری و مطالبه‌گری شهروندی و باقی مسائلی که بخشی از آن را در همین متن بررسی کرده‌ایم و مقایسه حقوق معلمان با اساتید و کارمندان نظام قضایی و ... سعی می‌کند نقش خود را به عنوان یک نهاد مدنی منتقد دولت و حتی گاه اپوزیسیون رژیم از یک سو، و عنصر تقویت‌کننده مناسبات حاکم سرمایه‌داری از سوی دیگر، بازی کند. از این‌رو همان‌طور که خود را در کنار کارگران هفت‌تپه، هپکو، شرکت واحد یا صنعت نفت قرار می‌دهد داد از مسائل معیشتی و اقتصادی دارد، خود را حامی اقلیت‌های مذهبی (بهائیت) و اقوام می‌بیند و همزمان به‌عنوان حامی حقوق‌بشر داد سخن سر می‌دهد و در رثای آزادی و دموکراسی و دیگر ارزش‌های حاکم تلاش می‌کند. چنین موضع سیال و فراطبقاتی‌ای نعمت بی‌بدیل موج‌سواری رسانه‌ای است، نه مبارزه تشکل یافته‌ی صنفی.

پاسخ به سؤال کارگر یا کارمندبودن قطعاً موضع‌گیری دقیق‌تر و مادی‌تری را نسبت به سه مطالبه اول که به تقلید از بیانیه‌های معلمان آورده شده ایجاد می‌کند. سؤالی که اگر معلمان نیز آن را مطرح و به آن پاسخ می‌دادند وضعیت آن‌ها را در طرح مطالبه‌گری و مبارزه صنفی در جایگاه بهتری از آن چه هست قرار می‌داد. سال‌های سال است که معلمان با تجمع پشت درب‌های مجلس و سازمان برنامه‌بودجه و آموزش و پرورش سعی در پیگیری مطالباتی دارند که هیچ‌گاه از بررسی وضعیت خود برنیامده بلکه نتیجه بازی رسانه‌ای و وعده‌های سرخرمن دولت‌های مختلف بوده تا معلمان را چون ارتش حامیان خود به دنبال خویش بکشند. در این میان قطعاً کانون صنفی معلمان اگر کاری در جهت به پرسش کشیدن و پاسخ‌دادن وضعیت معلمان و به چالش کشیدن این مطالبات نکرده، قطعاً هم‌دست وضعیت حاکم است.

اما مطلب دیگری که در بند آخر بیانیه سرایداران آموزش و پرورش آمده نیز جای بررسی بسیار دارد، آن‌ها می‌گویند «ما در همین‌جا اعلام می‌کنیم تا رسیدن به همه خواسته‌ها این تجمعات ادامه دارد و ما هر هفته با همت همکاران این تجمع را برگزار می‌کنیم.» اما از ۱۳ تیرماه که این بیانیه منتشر شده تا امروز بدون آن که خبری از موفقیت در رسیدن به مطالبات سرایداران مدارس باشد، گویا ادامه‌ی تجمعات نیز محقق نشده و این تهدید نیز توخالی از آب درآمده است! چرا؟ پاسخ به صراحت تمام تاریخ مبارزان کارگری روشن است: نبود تشکل! تا وقتی که سرایداران مدارس خود را در قامت یک تشکل صنفی مشخص درنیاورده و نیازهای لازم برای یک چنین تهدیدی را از قبل بررسی نکرده و مبارزه را در یک نظم مشخص سامان نداده‌اند، امکان پیگیری و تداوم مبارزه ناممکن خواهد بود و کارفرما از قبل می‌داند که بزرگ‌ترین تجمعات هم بدون پشتوانه تشکل منسجم کارگری که قدرت خود را از بدنه می‌گیرد توان مقاومت ندارد و چون خبری زودگذر از بین خواهد رفت. از این منظر پیگیری واقعی این مطالبات و حتی پاسخ‌به‌سؤال مطرح کرده و موضع‌گیری صحیح در طرح مطالبات خود در جریان مبارزه برای تشکل‌یابی و مبارزه‌ی منسجم آن محقق خواهد شد.

• بیانیه انجمن صنفی‌بازنشستگان کشوری:

بیانیه دیگری در کانال صنفی معلمان از «انجمن صنفی‌بازنشستگان کشوری» منتشر شده است که خطاب به نماینده مجلس (الیاس نادران) است که در گفتگوی زنده تلویزیونی گفته "حقوق‌بازنشستگان باعث تورم اقتصادی کشور شده است؟! انجمن صنفی‌بازنشستگان ضمن توضیحاتی که نادرستی این موضوع را نشان می‌دهد در انتها اشاره می‌کند «تورم و اقتصاد فروپاشیده ایران زمانی حل می‌شود که دولتی ملی، با اندیشه خدمت به ملت بر سر کار آید، دولتی که خدمتگذار مردم باشد نه در خدمت رانتخواران ایران ستیز.» متأسفانه پایان‌بندی این بیانیه نیز با موضع‌گیری‌های عجیب‌وغریبی بسته می‌شود که هیچ پایگاه مادی‌ای در منافع طبقاتی آن‌ها ندارد. هر قدر مفاهیم «مردم» و «ملت» مبهم، فراطبقاتی و فریبنده است، اصطلاحات «دولت ملی» و «خدمتگذار مردم» ارتجاعی‌تر و انحرافی‌تر، حال جنبه‌های موضع مرتجعانه «ایرانی ستیز» به کنار. عجیب است وقتی بیانیه‌ای از موضوعی روشن آغاز می‌کند چگونه در انتها سر از چنین ناکجاناآبادی سر در می‌آورد. در آخر بیانیه بدون آن که تحلیل درستی از موضوع تورم باشد و این تضاد را ساختاری ببیند خواستار استعفای نماینده خاطی می‌شود تا جانشین بعدی اگر حتی قرار نیست نگاه‌اش عوض شود، ادبیات‌اش عوام فریبانه‌تر گردد که چنین مشکلاتی پیش نیاید. به‌گمانم ریشه‌یابی این مشکل در «انجمن صنفی‌بازنشستگان کشوری» نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد که در این متن جا ندارد، اما از آن‌جا که برخی جنبه‌های این موضوع و مواضع در کانال کانون صنفی معلمان نیز تکرار شده، می‌تواند در بررسی آن نیز کمک کند.

- بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زبویه) در دفاع از آقای حسین حسن‌خانی، معلم بازنشسته آموزش و پرورش مهاباد (۲۱ تیرماه ۱۴۰۰)

این بیانیه به قلم انجمن صنفی معلمان کردستان است و تنها در کانال صنفی معلمان ایران منتشر شده است. در این بیانیه نیز سعی شده تا جایگاه معلم را از منظر نقش تربیتی آن در تثبیت ارزش‌های حاکم تعریف کند و به چانه‌زنی برای حکم تخفیف و آزادی معلم بازنشسته‌ی زندانی (با توجه به وضعیت جسمانی وی) می‌پردازد. ایستادگی بر این موضع نه تنها به تقویت تشکل صنفی معلمان کمک نمی‌کند، بلکه تکرار موضع ضدکارگری معلمان در انقیاد جامعه ذیل نظام آموزشی حاکم است. تغییر در این وضعیت ابتدا باید در شناخت جایگاه مادی معلمان صورت گیرد.

- اطلاعیه کانون صنفی معلمان تهران:

«اخیراً در فضای مجازی دیده شده است افرادی با جعل بعضی اخبار و ادعاهای دروغین در مورد برخی همکاران زندانی و اعلام در مضیقه بودن خانواده این عزیزان، با اعلام شماره حساب‌هایی تقاضای جمع‌آوری پول برای کمک به خانواده این همکاران می‌نمایند. کانون صنفی معلمان تهران، اعلام می‌دارد، به همت کانون‌های صنفی و یاری همکاران بزرگوار، حمایت مالی از خانواده معلمان دربند با پرداخت کامل حقوق قطع شده‌شان به‌طور مداوم انجام گرفته و ادامه خواهد داشت. لذا از همه همکاران مسئول و علاقمند که تمایل به حمایت مالی از خانواده‌های مذکور را دارند، در خواست می‌شود، تنها از طریق حساب‌هایی که از طرف گروه #حمایت، #شورای هماهنگی یا #کانون تهران اعلام می‌شود، اقدام به حمایت نمایند...» آن‌چه در این اطلاعیه آمده ناشی از ته‌مانده‌های باقیمانده از تلاش «کانون صنفی معلمان تهران» جهت صنفی‌ماندن کانون معلمان تهران و حساسیت‌های صنفی در آنجا است. هر چند اگر تشکل معلمان با عضوگیری و حق عضویت مشخص اداره می‌شد نیازی نبود که برای تأمین مالی و شیوه تأمین مالی حمایت از معلمان دربند اطلاعیه‌ای صادر شود.

حال نوبت طرح صیانت می‌شود:

- بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در مخالفت با تصویب طرح موسوم به «صیانت از کاربران در فضای مجازی»

«گر زیستن در چنبره دروغ ستون اصلی نظام باشد، پس جای شگفتی ندارد که مهم‌ترین تهدید برای آن زیستن در **دایره حقیقت و واقعیت** باشد. (واتسلاف هاول)

این متن خطاب به آنانی نیست که مصداق «صُمُّ بُكُمُ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» هستند. با جهان واقعی و واقعیات پیرامون‌شان قطع ارتباط کرده‌اند و تنها به **انحصار بیشتر قدرت و ثروت** می‌اندیشند و ناتوان از اندیشیدن (... فُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ) همچنان در **مسیر نیاکان عقیدتی** خود، خط تحریم آب لوله‌کشی شده، چراغ برق، مدرسه‌های جدید، رادیو، تلویزیون، ویدیو، ... را دنبال می‌کنند و برخلاف توهم رسیدن به انحصار کامل قدرت، بر سر شاخ نشسته، بن می‌برند. تصویب این طرح هیچ مصونیتی برای آن‌ها به ارمغان نمی‌آورد.

روی سخن با آنانی است که می‌توانند درک کنند جهان پیرامون‌شان به طور دائم و با سرعت در حال تغییر و تحول است، **الگوی حکمرانی کره شمالی و حتی چین برای این کشور شدنی و راهگشا نیست.**

طرح موسوم به «صیانت...» مغایر با **روح قانون اساسی**، بند ۶ اصل دوم، بند ۲ اصل چهارم و سوم، اصل نهم، همچنین قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و... است.

طراحان آن اگرچه با وارونه‌سازی مفهوم واژگان به **شیوه حکومت‌های تمامیت‌خواه (توتالیتار)**، سعی در پنهان‌ساختن هدف واقعی خود داشته‌اند، لیکن خود این اقدام نشان می‌دهد اولاً به خوبی می‌دانند که طرح آن‌ها ماهیتی مغایر با منافع و مصالح عمومی جامعه دارد، دوم این که هیچ‌ربطی با مشکلات و مصائب روزافزون ملت نداشته، تحقیقاً مشکلات بخش‌های وسیعی از جامعه را به نهایت می‌رساند، امکان **ارتباط علمی دانشجویان، اساتید دانشگاه و معلمان با مراکز علمی بین‌المللی از طریق فضای مجازی را از بین می‌برد و تنها منافع برخی باندهای قدرت را تأمین می‌کند که الزاماً تأمین‌کننده منافع کل حاکمیت هم نیست.**

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده که ممنوعیت و بگیر و ببند به ویژه برای آن چه با زندگی و معیشت بخش وسیعی از مردم گره خورده، جز تضعیف مقبولیت و مشروعیت حاکمان، بی‌اعتباری قانون و قانون‌گذار، عرف و عادت‌شدن زیرپا گذاشتن قانون برای شهروندان عادی، افزایش و انباشت نارضایتی‌های در حد انفجار کنونی، عمیق‌تر شدن شکاف ایجاد شده میان حکومت با مردم، ... حاصلی ندارد.

کانون صنفی معلمان ضمن ابراز مخالفت جدی با ارائه، تصویب احتمالی و اجرایی‌نمودن این طرح، از همه نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف، صاحب‌نظران، دلسوزان و عقلایی که هنوز از قطار قدرت انحصاری، بیرون رانده نشده‌اند و ... انتظار دارد از همه تربیون‌های ممکن، برای مخالفت با این طرح استفاده کنند و کشور را بیش از این اسیر مخاطرات مجموعه‌ای تمامیت‌خواه که اگر به صداقت‌شان شک نکنیم، قطعاً باید در عقلانیت‌شان در تدبیر امور تردید کنیم، نکنند.» (۱۴ مرداد ۱۴۰۰، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)) [تمام تأکیدات از من است]

کانون صنفی معلمان به طرح صیانت هم بلافاصله عکس‌العمل نشان داد تا ثابت کند در خبرهای رسانه‌ای همیشه در صحنه و حاضر است، به خصوص که موضوع به شاه‌رگ حیاتی ایشان وصل است: اینترنت. کانون که با خام‌دستی و ساده‌لوحی از "حقیقت و واقعیت" صحبت می‌کند، در طرحی ساده به تحلیل مسائل مربوط به این طرح می‌پردازد. گویا برای ایشان نیاز به هیچ تلاشی برای رسیدن به حقیقت و واقعیت وجود ندارد و درسته روی حقیقت و واقعیت نشسته‌اند. تحلیل کانون این است، عده‌ای تمامیت‌خواه (توتالیتزر) که به دنبال انحصار قدرت و ثروت هستند، می‌خواهند کارهای بدی بکنند، که اعتبار قانون و حاکمیت را زیر سؤال ببرد. پس همه خوب‌ها از جمله همه نهادهای مدنی و ... از همه تربیون‌ها باید با این بدها مخالفت کنند. واقعاً باید گفت این همه پیچیدگی در تحلیل حیرت‌انگیز است! از موضوع این بیانیه نه تنها نام کانون را می‌توانی حذف کنی، بلکه موضوع بیانیه را نیز حذف کنی هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) کارخانه بیانیه نویسی‌ای است که هر چند مشخص نیست در چه فرایندی این بیانیه‌ها تولید می‌شود، اما کاملاً معلوم است که وقت و فکر زیادی صرف تولید این بیانات نشده و صرفاً وقت تایپ و صفحه‌بندی باید محسوب شود، چرا که مواد اولیه و ترتیبات آماده است، جای خالی موضوع پر می‌شود و انتشار.

کانون همچون تمام نهادهای مدنی به عنوان سوپاپ اطمینان دولت و حافظ مناسبات حاکم، بیشتر "نگران مقبولیت و مشروعیت حاکمان" است، یا "بی‌اعتباری قانون و قانون‌گذاری"، و یا "عرف و عادت‌شدن زیرپا گذاشتن قانون برای شهروندان عادی" و از این‌رو با وجود آن‌که ژست‌های اپوزیسیونی می‌گیرد، باز هم در کنار دیگر نهادهای مدنی، دست به دامن همان "صاحب‌نظران، دلسوزان و عقلایی که هنوز از قطار قدرت انحصاری، بیرون رانده نشده‌اند" یا همان نهاد حاکمیت سرمایه (دولت) می‌شود.

همچنین باید از کانون پرسید آیا در چنته خود تجربیاتی برای پیش از این چهل سال دارد؟ چرا که شاید آن‌ها نیز در بیان افق‌های پیش‌رو کمک کند. اما به صورت معمول اشاره به همین چهل سال برای بررسی‌هایش اکتفا می‌کند. احتمالاً بررسی بزرگ‌تر تجربیات ممکن است باعث شود آن دسته از اپوزیسیون سلطنت‌طلب خود را از دست بدهد و بین خیل "معترضان" خللی ایجاد شود و این ائتلاف مقدس ترک بردارد. پس با محدود کردن دامنه تجربیات مورد بررسی به نتایجی می‌رسد که بیشترین مخاطب را بین تمام "گروه‌های معترض" داشته باشد.

از سوی دیگر کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با کم‌رویی خاصی موضع‌گیری خود را با جریان "پرو غرب" چنین نمایش می‌دهد که حداقل با چین موضع‌گیری کند. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با ژستی دلسوزانه و متواضعانه پیشنهاد می‌دهد که "الگوی حکمرانی کره شمالی و حتی چین برای این کشور شدنی و راهگشا نیست." کانون که سراپا با شعارهای حقوق‌بشری و جنبش‌گرایانه‌اش هیچ نشانه‌ای از یک تشکل معلمی را در خود ندارد، دوگانه‌ای چنین کاذب را پیش پای معلمان و کارگران قرار می‌دهد! که یک‌سوی آن توتالیتاریسم، تمامیت‌خواهی و کره‌شمالی و چین‌ایستاده و طرف دیگر، دست‌آوردهای غرب دموکراتیک، چون نهادهای مدنی و حقوق‌بشر.

باشد روزی که کارگران با نمایش قدرت خود چنان بر دهان چنین فروخته‌های بی‌مایه‌ای بزنند که فراموش نکنند.

و اما مسئله خوزستان:

از دوازدهم تیرماه خبری در مورد وضعیت آب خوزستان کار شد.

"جنایت علیه انسانیت"، "در کنار کربلای خوزستان"، "مدیریت بحران"، "اعزام نیروهای سرکوب"، "اعتراضات مردمی" اینها هشتگ‌هایی هستند که پای متن‌ها و عکس‌ها و ویدیوهای مرتبط به خوزستان در کانال کانون صنفی معلمان می‌آید. جعفر ابراهیمی نیز به سرعت دست به قلم می‌شود:

• جعفر ابراهیمی: ما آب می‌خواهیم

«یکسو اقلیتی زالو، فاسد و دزد قرار دارند که حاضرند برای آب آشامیدنی صرفاً به خاطر مارکش ۲۸۰ هزار تومان پرداخت نمایند و شکلات یک میلیون و نیمی بخورند.»

در سوی دیگر محذوفان و مطرودانی قرار دارند که هر روز بیش از پیش بر رنج‌هایشان افزوده می‌شود کشاورزی و دامداری خود را به خاطر بی‌آبی از دست می‌دهند و حتی از دسترسی به آب آشامیدنی محرومند وضعیتی چنان بغرنج و دردآور که با تمام همدلی‌ها، اگر آنجا نباشی نمی‌توانی عمق فاجعه را دریابی به خصوص برای ما که در مرکز نشستیم.

البته بین آن اقلیت فاسد نو کیسه با زندگی لاکچری‌شان و مدیران ناکارآمد و مافیای آب ارتباط تنگاتنگ وجود دارد، کسانی که طی چهار دهه بلایی بر سر محیط زیست و آب این سرزمین آورده‌اند که امروز از سیستان و بلوچستان تا خوزستان و آذربایجان مردم ستمدیده را با بی‌آبی و تشنگی و تبعات آن روبه‌رو نموده‌اند و هامون و هورالعظیم و دریاچه ارومیه را به خشکی کشانده‌اند. اما آن چیزی که باید بر آن تاکید نمود عاملیت به حاشیه رانده‌شدگان است کسانی که امید و حق داشتن زندگی بهتر، آنان را به عرصه اعتراض و کنشگری کشانده است. اینک مطرودان خود صدای خویش هستند زمانی که می‌گویند ما آب می‌خواهیم.»

بار دیگر جعفر ابراهیمی نشان داد چگونه استاد این است که موضوعی مثل اختلاف طبقاتی و مناسبات طبقاتی سرمایه را به سطح مسائل بورژوازی تقلیل دهد. تأکید بر فساد و دزدی و ناکارآمدی مدیران در مقابل محذوفان و مطرودان و به حاشیه رانده‌شدگان نه صراحت لازم برای بیان آنچه در جریان است را دارد و نه به لحاظ سیاسی ظرفیت آگاهی بخشی طبقاتی را. جعفر ابراهیمی ادا اطوارهای پست مدرنی صدای حاشیه‌ها و نقد سلطه را بر هر موضوع و هر بستری می‌کشد تا سیالیت مقاومت مدنی را برای خود فراهم کند.

• کشته‌ها:

در ادامه کانال صنفی معلمان ایران با ارجاع به "کانال اتحادیه آزاد کارگران" یا بازنشر بدون ارجاع از یکی از کانال‌چپ‌برانداز کشته‌شدن مصطفی نعیم‌اوری را پوشش می‌دهد. در پوستر بازنشر شده از آن آمده: «برای آب جان می‌دهیم. برای نام جان می‌دهیم. برای هوا، برای آزادی، برای آن، برای برابری، برای زبان مادری، برای حقوق انسانی، برای...»

یا در بازنشر بدون ارجاع دیگری از همان کانال آمده: «بی‌آبی تنها دلیل خروش خوزستان نیست، اعتراضات خوزستان بی‌کفایتی حکومتی را نشانه رفته است که همه ما از آن رنج می‌بریم...»

مخرج مشترک تمام این جریان‌ها حقوق بشری و انسان‌گرایانه توان بورژوازی لازم را برای عبور از تضاد بنیادین کار و سرمایه فراهم می‌کند و به جای رویکرد انقلابی که مناسبات سرمایه را نشانه گیرد، در جدال درون بورژوازی، به نفع جریان پروغرب بورژوازی ایران، علیه ج.ا.ایران موضع می‌گیرند. آن هم با تأکید بر چهار دهه حکومت ج.ا. که نشان دهنده مشکل اصلی نه دولت سرمایه که رویکرد خاص بورژوازی قدرت گرفته بعد از انقلاب ۵۷ است که خود را در سیاست‌های خارجی بیرون از مدار آمریکا تعریف می‌کند. این وجه مشترک آن‌جا که با دیگر مواضع خارجی کانال صنفی معلمان ایران کنار می‌نشیند جور در می‌آید، مواضعی که نسبت به کوبا و چین، یا طالبان می‌گیرد همه حاکی از همین موضوع است. لذا این بازنشر مطالب چپ سرنگون طلب نه تنها تکلیف کانال صنفی معلمان را روشن می‌کند، برای گرداندگان کانال آن‌ها هم می‌تواند روشن‌کننده باشد تا اگر ذره‌ای به ابتذال بورژوازی خود شک دارند آن را برطرف کنند.

حال برسیم به دو بیانیه منتشر شده تشکل‌های معلمان، در ابتدا متن کامل بیانیه‌ها را می‌آورم:

• بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران علیه کشتار مردم بی‌دفاع خوزستان:

«به‌نام خداوند جان و خرد.»

ایران سرافراز ما، امروز در غمناک‌ترین سرشت تاریخی خود قرار گرفته است. چه کسی گمان می‌کرد که پس از **سرکوب‌های سیاسی، اجتماعی، عقیدتی، قومیتی، مذهبی،** اینبار نوبت به سرکوب مردم بی‌پناه و تشنه رسیده باشد؟ تشنگان خوزستان این روزها فریاد و فغان بلند کرده‌اند، تا گوش ناشنوی **حاکمان مسئولیت‌گریز و نامتعهد** را اندازی دوباره دهند که چگونه پرآب‌ترین استان ایران و خاورمیانه امروز، چنین عطشان و تشنه پی‌جرع‌ای آب، از سمت حکومت، گلوله‌های سرکوب را بر شقیقه خویش به تماشا می‌نشیند. جایی برای فروکردن دشنه بر پیکر ایران نمانده است؛ زخم‌ها فرصت التیام ندارند و هر دم از این پیکر نیمه‌جان، زخمی تازه سر باز می‌زند. اگر تا دیروز در سیستان و بلوچستان و کردستان سوخت‌بران و کولبران برای به دست آوردن یک تکه نان با گلوله‌های حکومتگران در خون خود می‌غلتیدند، اینبار مردم بی‌دفاع خوزستان و کشاورزان اصفهان از فرط تشنگی و بی‌آبی فریاد برآورده‌اند و در این روزهای خونین، خوزستانی که هشت سال جوانمردانه در مقابل حکومت بعث عراق مقاومت کرد این بار پاسخ خود را با گلوله و باتون دریافت می‌کند. اگر تا دیروز صدای **آزادی خواهی و مطالبه‌گری ملت ایران** را با بهانه‌های واهی، همچون سوءاستفاده و تحریک معاندین، استکبار و... سرکوب می‌کردید، امروز مردم برای حیات مبارزه می‌کنند و آب می‌خواهند. حکومتگران همواره در صدد بر آمده‌اند که اعتراضات به حق مردم را به تحریکات بیگانه نسبت دهند اما گستردگی و روز افزونی این اعتراضات به ویژه در مطالبه آب و سرکوب عریان آن توسط حکومت، نشان داد که **سرکوب معترضان** رویه و راهکاری نزد حاکمان برای بقا محسوب می‌شود. اما تجربه‌بشری نشان داده است که هیچ حکومتی با توسل به ابزار خشونت و درتقابل با ملت خود هرگز به بقا دست نیافته است. سیاست‌های مبتنی بر جهل و خرافه سبب شده سرزمینی با ۹ برابر برخورداری از میانگین جهانی مواهب زیر زمینی و سرزمینی، امروز لبانش از بی‌آبی ترک بردارد و این خوان گسترده، ساکنانش را از مهر وجود خود دریغ بدارد!

توجهات افراطی حاکمیت به خارج از مرزها سبب شده است که تمام ذخایر و پتانسیل‌های موجود از بین رفته و هر روز صدای شکستن استخوان‌های این پیکر زجر دیده گوش فلک را کر کند. تنها در سایه‌ی بی‌تدبیری و جهل حاکمان ایران است که حاصل خیزترین و پرآب‌ترین استان‌های کشور از جمله خوزستان بیابان شود و گرد و خاک، نفس مردمان آنجا را بند آورد. مصوبات عالی‌ترین نهاد کشور که سرمایه‌گذاری در خوزستان، کردستان و دیگر نقاط ایران را به بهانه‌ی وقوع جنگی دیگر و هدر رفت آن، منع کرده، با کدامین معیار علمی و عقلی اجازه می‌دهد، **میلیاردها دلار از سرمایه‌های ملی، در خارج از مرزها به باد هوا سپرده و پودر شوند؟! جباریت در مقابل شهروندان** راه نجات مستبدان نبوده و نخواهد بود. مسئولان بدانند که مردم ایران بارها تئوری "النصر بالرعب" را خنثی کرده‌اند و باز هم خواهند کرد، چرا که نشان داده‌اند تسلیم ستم‌ها، زورگویی‌ها و کشت و کشتارها نخواهند شد. توطئه‌های سازمان یافته با هزینه‌های میلیاردی برای متفرق کردن مردم، ایجاد فاصله‌ها و شکاف عمیق طبقاتی ساختگی، بی‌اولویت نشان دادن نیازهای اساسی مردم از طریق نهادهای و پروپاگاندهای حکومتی، اعتراض ستیزی مدام حاکمان و توطئه نامیدن هر اعتراضی، نه تنها نتوانسته پیوندهای ستم‌دیدگان را بگسلاند، بلکه هر روز اتحاد و همدلی ستم‌دیدگان و به ستوه آمدگان را بیش از پیش هموارتر ساخته است. اکنون درسراسر ایران فریادهای «کولبران و سوختبران را نکشید». بلند شده است و در جای جای کشور صدای حمایت از مردم ستمدیده‌ی خوزستان بر بام افلاک قدم گشاده است و همه‌ی اینها خود موبد این ادعاست که حق طلبی و حق خواهی و مطالبه‌گری نه تعطیل بردار است و نه با سرکوب خاموش شدنی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن کشتار بیرحمانه‌ی مردم بی‌دفاع خوزستان، خواهان پایان دادن به این خشونت عریان بوده و از مسئولان مربوطه می‌خواهد یکبار و برای همیشه جلوی این جنایات گرفته شود.» [تمام تأکیدات از من است]

کاری نداریم که چرا هیچ‌کجای این بیانیه کوچک‌ترین ردپایی از یک تشکل صنفی معلمان نیست! همین‌طور کاری نداریم که مفهوم معترض و معترضان چه تنبان گشادی است که خیل عظیمی را در خود گنجانده که با یکدیگر تضاد بنیادین می‌توانند داشته باشند! قطعاً با بررسی متن‌ها و موضع‌گیری‌های پیشین کانون صنفی معلمان انتظاری بیش از این نمی‌رفت. اما اگر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی ایران قرار بود برای خود شأنی قائل باشد اتفاقاً همین‌جا خواهد بود. در ادامه سعی می‌کنیم بگوییم چرا اتفاقاً نقش تشکلهای کارگری برای عبور از این وضعیت مهم و حیاتی است. همچنین می‌خواهیم بگوییم چرا بررسی این بیانیه‌ها برای طبقه کارگر و به‌خصوص برای معلمان مهم است تا بتوانند مواضع کارگری خود را دقیق‌تر کنند و نقش و وظایف تشکل‌یابی کارگری را جدی‌تر بگیرند. اما بیانیه دوم:

- بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در اعتراض به سرکوب تجمعات مسالمت‌آمیز مردم شریف خوزستان:

«به نام خداوند جان و خرد

در حالیکه هنوز داغ‌های قربانیان آبان ۹۸ بر دل مادران و پدران‌شان تازه است. در حالی‌که هر روز در نتیجه بی‌کفایتی مسئولان حکومتی، کرونا قربانیان بیشتری می‌گیرد، و مردمان سیستان و بلوچستان در نتیجه فقدان ملزومات حداقلی درمانی؛ شاهد مرگ‌ومیر گسترده‌ی عزیزان‌شان هستند. در حالی‌که سایه سنگین فقر و فلاکت بر چهره میهن عزیزمان رنگ غم و سیاهی نشانده است. جوانانی دیگر از این سرزمین این بار در خوزستان به خاک می‌افتند و گلوله پاسخ مطالبه‌گری‌شان است. آن هم مطالبه حداقلی‌ترین نیاز انسانی یعنی آب. براستی کدام حکومت پاسخ تشنگی مردمان سرزمینش را با گلوله می‌دهد؟

کانون صنفی معلمان تهران به عنوان یک نهاد مدنی خود را موظف می‌داند ضمن اعتراض به کشتار هموطنان بی‌دفاع خوزستان، مواردی را جهت روشنگری بیشتر خطاب به ملت ایران و بویژه فرهنگیان عزیز اعلام دارد.

یک. استان خوزستان یکی از استان‌های حاصل‌خیز و پر آب در سالیان گذشته بوده است. بسیاری از رودهای خروشان این سرزمین همچون کرخه، دز، کارون و ... قرن‌ها است که نه تنها مایه سرزندگی استان خوزستان، که جلوه‌ای از حیات و آبادانی در کل سرزمین ایران بوده‌اند. نتیجه سال‌ها سیاست‌گذاری‌های مرکز محور، بی‌کفایتی مسئولان و تصمیم‌گیران ارشد و سیاست‌های غلط در حوزه‌های آب، خاک و زیست محیطی، خشکی این رودهای خروشان نابودی محیط زیست و فقر روزافزون مردمان خوزستان است. وضعیتی که احتمالاً در آینده نه چندان دور گریبان سایر مناطق و استان‌های ایران را هم خواهد گرفت.

دو. استان خوزستان به عنوان تامین کننده اصلی نفت و گاز کشور، عملاً غنی‌ترین و ثروتمندترین استان کشور است. در حالی که عواید مردم این استان از این ثروت سرشار چیزی جز فقر، گرد و غبار و خشک‌سالی نبوده است. ثروت بدست آمده، صرف ماجراجویی‌های منطقه‌ای نظام می‌شود. هنوز آثار جنگ هشت ساله در جای جای خرمشهر و آبادان هویدا است. شهرهایی که قبل از انقلاب ۵۷ به عروس خاورمیانه شهرت داشتند. امروز بعد از ۴۲ سال حکومت به نام دین، عملاً به مناطقی محروم تبدیل شده‌اند.

سه. اصل ۲۷ قانون اساسی حق تجمعات مسالمت‌آمیز را برسمیت شناخته است.

با این همه در طی این سال‌ها، همواره پاسخ مطالبه‌گری مسالمت‌جویانه مردم ایران گلوله و سرکوب بوده است. این حق همه مردم ایران از جمله هموطنان خوزستانی است که به نتیجه چهارده بی‌کفایتی مسئولان استانی و کشوری اعتراض کنند. در طی یک هفته اخیر اما برخوردهای امنیتی و نظامی با اعتراضات مدنی مردم خوزستان، منجر به شهادت تعدادی از هموطنان مان شده است.

کانون صنفی معلمان تهران ضمن اعلام همدردی و عرض تسلیت به مردم خوزستان، اعلام می‌دارد که از مطالبات مشروع مردم خوزستان حمایت کرده و به حاکمیت هشدار می‌دهد که با ادامه سرکوب و کشتار مردم بی‌دفاع و لجاجت بر ادامه سیاست‌های غلط گذشته، بیش از پیش، مشروعیت خود را در پیشگاه ملت ایران از دست خواهد داد. بی‌شک مسئولیت خون‌های ریخته شده و فلاکت امروز مردم ایران متوجه سردمداران و تصمیم‌گیران اصلی نظام ج.ا. است. [کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، ۳۰/۴/۱۴۰۰] [تمام تاکیدات از من است]

باز هم کاری‌نداریم که چه‌طور تمام مسائل و مصیبت‌ها بر سر بی‌کفایتی مسئولان می‌شکند تا سرمایه‌داران جان سالم به‌در برد! همین‌طور کاری‌نداریم که چه‌طور برای کانون‌صنفی‌معلمان حق نفت‌وگاز به خوزستانی‌ها تعلق می‌گیرد اما تا کنون توجه نکرده که در تمام کارخانجات سرتاسر کشور و در تمام بنگاه‌های تولیدی در هر سطحی، این کارگران‌اند که تولید ارزش می‌کنند اما همیشه توسط طبقه سرمایه‌دار تصاحب می‌شود! باز هم کاری‌نداریم که حتی مسائل منطقه‌ای چه‌طور بر سر همین دولت شکسته می‌شود، تا نظام جهانی سرمایه و امپریالیسم آمریکا از گزند دور بماند، کانون‌صنفی‌معلمان در هر موضع‌گیری و بیانیه‌اش نشان می‌دهد آگاهانه/ناآگاهانه نمی‌تواند هیچ‌گامی، در هیچ سطحی برای آگاهی‌بخشی کارگران بردارد! و تنها بر ضد معلمان و کارگران قدم برمی‌دارد.

همان‌طور که دیدید هیچ تفاوت محتوایی‌ای با بیانیه اول نیست، اینجا هم هیچ‌خبری از تشکل صنفی نیست بلکه برعکس در این بیانیه با تاکید صریح‌تر کانون‌صنفی‌معلمان تهران، بر درک خود به عنوان عضوی از جامعه مدنی روبه‌رویم. حال سؤال این است که این تاکید بر موضع نهاد مدنی برای کانون صنفی معلمان چه نتایجی به همراه می‌آورد؟ تفاوت یک نهاد مدنی با تشکل کارگری چیست؟ و آیا معلمان مانند دیگر کارگران نیاز به تشکل صنفی دارند یا تشکل مدنی؟

تاریخ مبارزات کانون‌صنفی‌معلمان خود صریح‌ترین پاسخ به این سؤال است. تاریخ فعالیت کانون‌صنفی‌معلمان هیچ‌دستاوردی جز شکست و ناامیدی برای معلمان و طبقه کارگر نداشته است. تبلیغ و نشر آگاهی ضدکارگری و نفوذ در جریان‌های کارگری و ناتوان سازی آن‌ها، ممانعت از شکل‌گیری تشکل صنفی واقعی معلمان همگی از نتایج عمل کانون صنفی است. معلمان، چون دیگر کارگران باید تاریخ مبارزات کارگری را بخوانند و با تکیه بر دستاوردهای مشخص طبقه کارگر که همانا تشکل مستقل کارگری است، گام‌های محکمی در مواضع خود نسبت به جریانات بورژوازی بردارند.

در این میان تکلیف کانون‌صنفی‌معلمان روشن است:

در لابه‌لای خبرهای بالا بگذارید به بعضی اخبار حاشیه‌ای هم اشاره کنیم:

- حضور محمد حبیبی در کنار نرگس محمدی (فعال حقوق بشر و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر) و احمد حائزی (فعال حقوق بشر) در مراسم مجازی گرمی‌داشت چهلمین روز جان باختن ساسان نیک‌نفس، در کلاب هاوس، ...
- باز نشر صحبت‌های ستاره ملکی بازیگر تئاتر که بر مزار پدرش داد نفرت از ج.ا. ایران سر می‌دهد ...
- از متن‌های حمایتی و عکس‌های کیمیا علیزاده "که یک دختر جوان تنها به جرم #زن بودن باید این بار سنگین را به دوش بکشد. ما مصیبت زدگانیم..."
- حمایت از سعید مولایی "یک باید ببازی"...
- یا متن فرهاد میثمی "علیه نفرت پراکنی" که هم بند چند بهایی بوده و تازه آن‌ها را شناخته و می‌گوید «از بابت تمام حقوقی که از این هموطنان عزیزمان تضييع شده، و همچنان می‌شود، به‌عنوان یک ایرانی احساس شرم می‌کنم، اما فکر نمی‌کنم صرف احساس شرم کافی است یا بار مسئولیت را از دوش ما بر می‌دارد. امیدوارم در اثر تجمیع تلاش‌های اجتماعی همه ی ایرانیان، در آینده نه چندان دور اثری از این تبعیضات ناروا بر جای نماند و ایران عزیز ما به حق جایی برای «همه ی ایرانیان» با حقوق انسانی و اجتماعی برابر باشد. چنانش خواهیم ساخت.»

جمع‌بندی آن‌چه در بالا آوردیم و اشارات مختصر دیگری که آوردیم همه‌وهمه نشان از یک اپوزیسیون حقوق بشری بورژوازی دارد که از در دیوارش شعارهای انسان‌گرایانه، ایران‌دوستانه و دموکراسی‌خواهی می‌ریزد. تنها آن‌چه در این کانال اشتباه است نام آن است. چرا که نام این کانال یادآور تلاشی صنفی است که در مبارزان معلمان جایگاهی داشته و اگر دغدغه‌های صنفی‌اش را پی‌می‌گرفته امروز باید برای همیشه این لفاظی‌های حقوق بشری را دور می‌ریخته و جای آن مطالبات مادی معلمان را پیگیری می‌کرده است. اما اکنون چیزی که از تمام آن تلاش باقی است یک جریان انحرافی ضدکارگری است که تمام تلاش خود را دارد تا جریان مبارزه کارگری را به انحراف بکشد.

کانون صنفی معلمان ایران در دوگانه مستعجل دولت-جامعه‌مدنی به نفع جامعه‌مدنی سلاح می‌اندازد و به تقویت دولت سرمایه می‌پردازد. کارگران ر مقابل این دوگانه جعلی می‌ایستند و از موضع طبقاتی خویش دفاع می‌کند.

کانون صنفی معلمان در برخورد با دوگانه بورژوازی پروغرب و محور مقاومتی، به نفع بورژوازی پروغرب کنار تا همچون سوبه دیگرش مواضع ضدکارگری‌شان را حفظ کنند. طبقه کارگر این‌جا نیز در مقابل هر دو جبهه بورژوازی پروغرب، محور مقاومتی، به نقد مواضع سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم می‌پردازد و با تأکید بر تشکلیابی کارگران سعی در تقویت نیروی کارگران در مقابل این دو جبهه دارد.

و در نهایت کانون صنفی معلمان در تضاد بنیادین کار و سرمایه که منشا استثمار روزافزون نیروی کار و فقر و اختلاف طبقاتی است، به نفع جبهه سرمایه، در مقابل کارگران صف می‌کشد. به کار رسانه‌ای می‌پردازد و با فریب کارگران سعی در همراه کردن آنان با جبهه سرمایه دارد. به جای تشکلیابی کارگران، سعی در ایجاد تجمعات سیال و نمایشی می‌کند و به جای نیرو بخشی به کارگران آنان را مأیوس و خسته از کار جمعی می‌کند. به جای تشکلیابی کارگران سعی در تقویت جنبش‌ها و فعالیت جنبشی می‌پردازد و مطالبات کارگری را در کنار مطالبات حقوق بشری قرار می‌دهد تا تیزی تضاد کار و سرمایه را به نفع حفظ وضع موجود از بین ببرد. با شعارهای دموکراتیک و انسان‌گرایانه و حقوق بشری جبهه‌بندی کار را مخدوش و سیال می‌کند. به جای مرزبندی صریح با جریان‌های انحرافی و ارتجاعی قومی، مذهبی و ... سعی در فرصت‌طلبی و همراهی با هر جریانی دارد که عنوان "معترض" را با خود یدک می‌کشد. به‌جای تلاش برای تقویت آگاهی طبقاتی سعی در شواف و هیاهوی رسانه‌ای و همراهی جریان‌های غالب تبلیغی-تهییجی اپوزیسیون دارد. با ادعای نمایندگی معلمان مطالبات آن‌ها را بدون پشتوانه در چانه‌زنی‌های بی‌مایه خود به شکست می‌کشاند.

معلمان برای عبور از دوگانه‌های کاذب بورژوازی، باید همچون دیگر کارگران به تشکلیابی مستقل خود بپردازند. نهادهای مدنی در کنار دولت و در تقویت یکدیگر به حفظ مناسبات موجود می‌انجامند و مبارزات کارگری را در حد چانه‌زنی/تاب‌آوری تقلیل می‌دهند. تفاوت تشکل کارگری و یک نهاد مدنی در این است. معلمان باید از سطح مدارس خود به تشکلیابی بپردازند و زمینه اتحاد و کار جمعی را شکل دهند. هیچ تشکل سراسری‌ای نمی‌تواند بدون داشتن پایگاه متشکلی در مدارس به توان واقعی معلمان دست‌یابد. تلاش معلمان برای رسیدن به تشکل در یک مدرسه به آن‌ها آموزش خواهد داد که تا چه مباحث مذهبی و قومی و مباحث سیاسی باب روز در اتحاد آنان ایجاد اختلال می‌کند و باید دور ریخته شوند. همان‌طور که شعارهای حقوق بشری و انسان‌دوستانه و ... نیز مسائلی انتزاعی و بی‌ربط به وضعیت معیشت‌شان است. در این آموزش‌ها است که معلمان آموزش خواهند دید که به مسائل اقتصادی و به خصوص تأکید بر تضاد کار و سرمایه

متعهد بمانند تا در جریان مبارزه به انحراف نروند. و در پیگیری همان تضاد است که معلمان خواهند توانست به یک تشکل سراسری بین معلمان در مناطق یا استان و در سطح ملی خواهند رسید. چنین تشکلی قادر خواهد بود با اراده‌ای فولادین قدرت خود را تحمیل نماید و در اتحاد با دیگر تشکل‌های کارگری ظرفیت اداره‌ی امور را به دست بگیرد. غیر از این هرگونه حرافی درباره‌ی دولتِ پاسخگو، دولتِ شفاف، دولتِ غیررانت‌خوار، دولتِ سکولار، دولتِ مدیر، دولتِ غیرانزواطلب، دولتِ غیرایدئولوژیک و غیره، همه بهانه‌هایی فریب‌کارانه است برای توجیه ویرانی‌های سرمایه برای طبقه‌ی کارگر. کانون با قالب‌های خشک و مکانیکی توتالیتاریسم و استبدادی هر جا کار بیخ پیدا کند دولت را متهم به دیکتاتوری می‌کند، اما برای طبقه‌ی کارگر تفاوتی بین دیکتاتوری عربان و پنهان سرمایه نیست.

علی عسکرنژاد

تابستان ۱۴۰۰